هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

چالش افزایش قیمت ها و درماندگی بازار آزاد
ص۲

مذاکرهٔ طالبان با دولت
آیا موقف جدید طالبان جدی است؟
ص۲

اهانت به مقدسات اسلام پیامدهای ناگوار دارد
ص۶

دور هفتم سال پنجم شمارهٔ نزدهم شنبه ٢٤ سنبله ١٣٨٥هـ ش ٣ رمضان المبارک ١٤٢٨ – هـ ق 15 September, 2007



پیام استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت به مناسبت

فرا رسیدن ماه مبارک رمضان

در آغاز حلول پر میمنت ماه مبارک رمضان را به همهٔ هموطنان متدین خویش و امت اسلامی تبریک می گویم، و از بارگاه ایزدمنان استدعا می کنم این ماه را سبب خیر و برکت و باعث سعادت و سرافرازی ملت ما و همهٔ مسلمانان جهان بگرداند.

روزه ماه مبارک رمضان که با نزول آیهٔ مبارکهٔ «**یا أیها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون**» به روز دوشنبه سال دوم هجرت فرض گردید از ارکان عمدهٔ دین و ازشعایر و عبادتی است که درمیان ادیان یهودیت و مسیحیت و آیین مصریان قدیم و برهمن ها نیز وجود داشت.

پیامبر گرامی در آخرین روز شعبان در جمعی از اصحاب و یاران خویش در آستانهٔ فرا رسیدن ماه رمضان فرمودند: ای مردم ماه مبارک و بزرگی از راه رسیده است، ماهی که در آن شبی است بهتر از هزار شب، ماهی که خداوند روزه گرفتن را در آن فرض گردانیده، و قیام شبانه را مستحب قرار داده است. در آن ماه هر کسی هرگونه خیری را انجام دهد همانند واجب و فریضهٔ ماه های دیگر پاداش می بیند،

ادامه در ص۷

استاد ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان از سفر به کشورهای همسایه پاکستان و ایران بازگشت

استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان و رهبر جبههٔ ملیْ که در یک سفر رسمی به کشورهای همسایه پاکستان و ایران سفر نموده بودند به روز پنجشنبه ۲۱ سنبله بازگشتند.

استاد در پاکستان در سمینار روابط افغانستان و پاکستان که به تاریخ۱۱ سنبله از سوی دانشگاه پشاور برگزار شده بود اشتراک و سخنرانی نمودند.

استاد در این سمینار از تاریخ و فرهنگ و دین مشترک هر دو کشور سخن گفت و از همکاری و همدردی مردم پاکستان در دوران جهاد با مردم افغانستان یاد و آن را ستود. برخی از تحلیلگران این سفر استاد به پاکستان را تلاشی از سوی دو کشور برای گشودن بابی تازه در روابط سیاسی شان می خوانند. در این سمینار علاوه بر استاد چندین تن از شخصیت های سیاسی کشور نیز حضور داشتند.

استاد در ایران در سیمیناری که به ابتکار دانشگاه فردوسی مشهد در آن شهر به خاطر گرامیداشت از ششمین سالگرد شهادت احمد شاه مسعود قهرمان ملی افغانستان دایر گردیده بود، حضور یافتند و سخنرانی ارزشمندی ایراد نمودند که از سوی شرکت کنندگان در این سمینار بسیار استقبال شد.

متن سخنرانی استاد در شمارهٔ آیندهٔ جریدهٔ مجاهد به نشر خواهد رسید.

ششمین سالگرد شهادت احمد شاه مسعود

قهرمان ملی افغانستان در داخل و خارج کشور تجلیل شد



ششمین سالگرد شهادت قهرمان ملی افغانستان و هفتهٔ شهید، از تاریخ ۱۶ – ۱۹ سنبله طی محافل و نشست ها و اجتماعاتی مختلف در سراسر کشور و خارج از آن، تجلیل گردید.

چگونگی تنظیم مراسم برگزاری ششمین سالگرد، از سوی کمیسیون دولتی که در رأس آن امیرزی سنگین وزیر مخابرات تعیین شده بود، رهبری می گردید.

از طرف دولت و کمیسیون رسمی به همهٔ ولایات و نمایندگی های سیاسی دولت در خارج کشور هدایت داده شد، تا به گونهٔ سال های قبل، از ششمین سال شهادت احمد شاه مسعود با اشتراک مردم، مجاهدان و در خارج با اشتراک میهمانان و دپلومات های کشورهای دوست، بزرگداشت به عمل آید که در سراسر کشور توسط والیان ولایات و اراکین دولتی و مردم از این روز و هفتهٔ شهید تجلیل بایسته به عمل آمد.

نمایندگی های سیاسی افغانستان در همهٔ کشورها، با دعوت شخصیت های علمی و فرهنگی و دپلمات های کشورهای مختلف و افغانان مهاجر این روز را بزرگداشتند. در داخل افغانستان مراسم بزرگداشت، در چند بخش برگزار شده بود:

سیمینار علمی مسعود شناسی

این سیمینار دو روز دوام داشت روز اول ۱۶ سنبله در خیمهٔ لویه جرگه به گونه یی شاندار با اشتراک شمار زیادی از علاقمندان قهرمان ملی و شخصیت های دولتی تدویر یافت. محفل را سید فاضل سنچارکی رئیس اتحادیهٔ ملی ژورنالیستان و آمنه افضلی گردانندگی می کردند.

محفل با تلاوت کلام الله پاک آغاز شد. احمد ضیاء مسعود معاون اول رئیس جمهور اولین سخنران بود. به تعقیب آن این شخصیت ها پیرامون شخصیت شهامت، شهادت و کارنامهٔ مسعود صحبت نمودند.

محمد یونس قانونی رئیس مجلس نمایندگان، محمد رحیم وردک وزیر دفاع ملی، محمد اسماعیل خان وزیر انرژی و آب، انوار الحق احدی وزیر مالیه، شهزاده مصطفی ظاهر رئیس محیط زیست، دکتر عبدالله وزیر خارجهٔ پیشین، حاجی دین محمد والی ولایت کابل و خانم مهسا طایع سخنرانی نمودند و خمکنی دریا شعر خواند.

همچنان در این محفل پیام سید محمد خاتمی رئیس جمهور پیشین ایران قرائت گردید.

ادامه در ص۳

بیشترین بمبگذاران انتحاری در افغانستان خارجی هستند

سازمان ملل متحد در گزارشی گفته است بیش از نیمی از بمبگذاران انتحاری طالبان شهروند افغانستان نیستند. در این گزارش آمده است طی دو سال گذشته بیش از ۸۰ در صد این بمبگذاران، در پاکستان به خدمت گرفته شده و آموزش داده شدند.

دفتر مأموریت ملل در افغانستان، این گزارش را همزمان با ششمین سالگرد نخستین بمبگذاری انتحاری در افغانستان که در نتیجهٔ آن احمد شاه مسعود قهرمان ملی کشور توسط دو انتحاری عرب در خواجه بهاء الدین به شهادت رسید منتشر کرده است. اما حملات انتحاری در دو سال اخیر به عنوان ابزار شورشگری از سوی طالبان ادامه یافته است.

افغانستان سال گذشته شاهد ۱۲۳ و در سال جاری تا پایان آگست، شاهد ۱۰۳ حملهٔ انتحاری بود. در شش ماه نخست سال جاری، این حملات به مرگ ۱۹۳ نفر که ۱۲۱ نفر آنها غیر نظامی افغان، ۶۲ مأموران امنیتی و ۱۰ نفر نیروهای خارجی بودند، منجر شده است.

این گزارش می گوید افغان ها باید این واقعیت را بپذیرند که هموطنان آنها نیز دست به چنین حملاتی می زنند.

در گذشته، رهبران افغان می گفتند که شهروندان کشورشان اصولاً مرتکب بمبگذاری انتحاری نمی شوند.

در گزارش سازمان ملل ذکر شده است که بیش از نیمی از مهاجمان، خارجیانی هستند که عمدتاً از پاکستان و همچنین کشورهای عرب و آسیای مرکزی می آیند. اکثر افغان های انتحاری آن هایی هستند که بیشترین از عمرشان را در اردوگاه های مهاجران در پاکستان گذرانده اند.

ادامه در ص۳

چند مورد از تحریف واقعیت های زندگی قهرمان ملی

ص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل- بهارستان ـ جادهٔ معین الدین چشتی ـ کوچهٔ قصابی دست چپ ـ کوچهٔ پنجم ـ خانهٔ پنجم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahidweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

چالش افزایش قیمت ها و درماندگی بازار آزاد

در این روزها آهنگ افزایش قیمت ها در بازارهای کشور شتاب بیشتر یافته است. قیمت یک کیلو گاز در یک ماه از ۳۰ افغانی به ۷۵ افغانی و حتی در برخی از نقاط کابل به ۹۰ افغانی رسید. بلند رفتن قیمت ها از یک سال پیش سرعتی سرسام آور داشته از ۲۰ تا ۱۰۰ در صد بالا رفته است.

در برابر رشد قیمت ها، درآمد سرانهٔ مردم تفاوت چندانی نداشته است، مخصوصاً کسانی که درآمد ثابت دارند مانند کارمندان دولت و آموزگاران هیچ نوع افزایشی قابل ذکر در حقوق ماهانهٔ آنان به میان نیامده است. بدین صورت میزان فقر در کشور رشد چشمگیر داشته و قدرت خرید مردم به شدت پایین آمده است.

افزایش فقر در جامعه می تواند پی آمدهایی خطرناک به دنبال داشته باشد. روی آوردن بیشتر دهقانان به کشت تریاک و بالتبع گسترش تجارت و ترافیک این ماده که تا کنون تلاش های جامعهٔ جهانی و دولت افغانستان برای کنترل آن نتیجه یی به بار نیاورده است، یکی از پی آمدهای افزایش فقر خواهد بود، افزایش نمودار جنایت در جامعه، مانند سرقت و راه زنی از تأثیرات دیگر فقر خواهد بود که نا امنی را بیشتر خواهد ساخت.

فساد اداری نیز بر اثر فقر ترویج گسترده تری خواهد یافت. از همه مهمتر، فقر که بیکاری و نومیدی جوانان را به دنبال می آورد شماری زیاد را به صفوف گروه های مسلح مخالف دولت سوق می دهد و در پهلوی نارضایتی مردم از نظام، می تواند به بی ثباتی کشور بینجامد و چالش هایی جدید به بار آورد.

با در نظر داشت چنین دورنمای نومید کننده، مسؤولیت های دولت بیش از پیش سنگین تر می شود. قبل از هر چیز سیاست گذاران نظام باید در راهبردهای اقتصادی بازار خویش تجدید نظر نمایند و به این انتقاد که شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی و امنیتی افغانستان مناسب بازار آزاد مطلق و لگام گسیخته و دست برداشتن دولت از کنترل و تنظیم بازار نمی باشد، توجه نمایند.

گمان غالب این است که قیمت واقعی و تمام شد کالاهای وارداتی مخصوصاً مواد سوختنی تا این حدی که در بازارهای افغانستان به فروش می رسد بالا نیست، ممکن است شرکت ها و سرمایه داران بزرگ جهت به دست آوردن سرمایه های کلان و انتقال آنها به خارج همدست شده و چنین وضعیت استثنایی را به وجود آورده باشند.

وظیفهٔ دولت در چنین وضعیتی آن است که به نفع شهروندان و مستهلکان و برای جلوگیری از گران فروشی انحصار، احتکار، رقابت های غیر شفاف شرکت ها و سرمایه گذاران دست به کار شود و جلو چنین تصرفات غیر قانونی را بگیرد.

در حقیقت این وظیفهٔ اساسی و اولیهٔ دولت در هر جامعه می باشد و حتی در نظام های طرفدار لیبرالیسم اقتصادی نیز قوانین مؤثری جهت حمایت از مستهلکان و جلوگیری از معاملات نا مشروع وجود دارد.

کارگزاران دولت افغانستان به بهانهٔ بازار آزاد یا می خواهند از مسؤولیت اساسی خود شانه خالی کنند و یا از این چپاولگری و جیب زنی منفعتی به دست می آورند. اگر چنین نباشد باید در برابر افزایش نگران کنندهٔ قیمت ها واکنش نشان دهند و به صورت عاجل یا جلوگران فروشی را بگیرند، نرخ مواد را در حد معقول تعیین کنند و متخلفان را مجازات نمایند و یا این که به میزانی زیاد در پهلوی بخش خصوصی به وارد کردن و توزیع کالا با نرخ های نازل اقدام نمایند و گران فروشان را مجبور سازند، نرخ کالاهای خویش را پایین بیاورند.

مذاکرهٔ طالبان با دولت

آیا موقف جدید طالبان جدی است؟

وحید مژده



در این اواخر یکی از سخنگویان طالبان به نام قاری یوسف احمدی با اعلام این خبر که طالبان حاضر اند با دولت افغانستان به مذاکره بپردازند، سنگی در آب انداخت که تا دور دست ها موج برانگیخت. رئیس جمهور کرزی از این موقف طالبان که نشان از یک چرخش بزرگ در موقف این گروه داشت استقبال کرد وسخنگوی وی گفت که رهبران طالبان می توانند با مقامات دولتی در هر جایی که خواسته باشند به مذاکره بنشینند. حتی جان نگرو پونته معاون وزیر خارجهء ایالات متحدهء امریکا هم در این مورد به صورت محتاطانه واکنش نشان داد و گفت که در چنین موارد باید پیشرفت هایی که افغانستان در طول سالهای پس از سقوط طالبان داشته است، وجه المصالحه قرار نگیرد.

عده یی با توجه به این موقف جدید اعلام شده از جانب طالبان نتیجه گرفتند که این گروه دیگر توان جنگی خود را از دست داده است و مجبور شده تا موقف قبلی خود در برابر دولت افغانستان و نیروهای خارجی را تعدیل نماید؛ جمعی این موقف جدید را به رخداد های پاکستان رابطه دادند و گفتند از آنجایی که پاکستان خود با خطرات جدی داخلی مواجه است، بیش از این حمایت از طالبان در افغانستان را به نفع خود نمی یابد. بنابراین طالبان را واداشته است تا با دولت افغانستان باب مذاکرهء بدون قید وشرط را باز نمایند.

حقیقت چیست؟ آیا واقعا تغییری در موضع طالبان به میان آمده است ویا این که ما شاهد یک دودستگی در میان طالبانی هستیم که تاکنون جز به جنگ به گزینهء دیگری نمی اندیشیده اند؟

نخست از همه باید به تغییراتی که در ساختار گروه طالبان پس از سرنگونی به وجود آمده است توجه کنیم. گروه طالبان در آغاز به شکل یک (تحریک) قد علم کرد. واژهء تحریک در قاموس سیاسی در پاکستان به آن حرکت سیاسی اطلاق می شود که شامل چندین حزب و گروه باشد. حتمی نیست که همهء این احزاب وگروه های گرد هم آمده در همه موارد باهم متفق باشند. حتی یک هدف که چند حزب و گروه سیاسی آن را مهم تشخیص دهند و دسترسی به آن به صورت متفرق ممکن نباشد می تواند به ایجاد یک تحریک یا ائتلاف بینجامد.

تحریک طالبان در افغانستان در حققیقت فراهم آمده از افرادی بود که قبلا با سازمان های مختلف جهادی کار کرده بودند و با هدف ایجاد امن در افغانستان و خلع سلاح گروه های درگیر جنگ به میان آمد. از رهبر این گروه که زمانی به حرکت انقلاب اسلامی به رهبری مولوی محمد نبی محمدی وابسته بود تا رده های پایینی همه سابقهء کار با احزابی چون حزب اسلامی مولوی خالص، حزب اسلامی حکمتیار، اتحاد اسلامی استاد سیاف، جمعیت اسلامی و حتی جبههء ملی ومحاذ ملی داشتند اما تفاوتی که تحریک با تحریک های دیگر داشت این بود که افراد گرد آمده در تحریک طالبان نه در چهارچوب گروه بلکه به شکل افراد به این تحریک پیوسته بودند تنها استثنایی که بود یک گروه انشعابی از حرکت انقلاب به رهبری مولوی نصرالله منصور بود که با یک توافق جمعی به این گروه پیوستند. هرچند آنها نیز به صورت یک گروه مستقل در تحریک پذیرفته نشدند اما تا حدودی روابط سازمانی سابق خود را حفظ کردند. چون حکمتیار متهم بود که دستور ترور مولوی منصور را داده است، این گروه تا آخر در برابر نزدیک شدن حکمتیار به طالبان ایستادگی کردند. پس از سقوط طالبان نیز اعضای آن گروه ایجاد گروه جدیدی به نام خدام الفرقان را اعلام نمودند.

سقوط امارت، طالبان را به سه دسته تقسیم کرد؛ گروه کوچکی که به دولت کرزی پیوستند، و گروه کوچک دیگری که هنوز به جنگ باور داشتند وبیشتر از زمان قدرت طالبان به القاعده نزدیک شدند. در این میان گروه سومی نیز وجود داشت که اکثریت اعضای گروه طالبان را شامل می شد. این گروه به این نتیجه رسیده بودند که دیگر با جنگ نمی توان مشکل کشور را حل کرد. آنها به خواست گروه طرفدار خشونت جواب مثبت ندادند اما از این که در دولت افغانستان نیز یک استراتژی مشخص برای جلب این افراد وجود نداشت، نگران بودند

طالبان دوسال پس از سقوط به تلاش برای سازمان دهی مجدد مشغول بودند. سقوط امارت، طالبان را به سه دسته تقسیم کرد؛ گروه کوچکی که به دولت کرزی پیوستند، و گروه کوچک دیگری که هنوز به جنگ باور داشتند وبیشتر از زمان قدرت طالبان به القاعده نزدیک شدند. در این میان گروه سومی نیز وجود داشت که اکثریت اعضای گروه طالبان را شامل می شد. این گروه به این نتیجه رسیده بودند که دیگر با جنگ نمی توان مشکل کشور را حل کرد. آنها به خواست گروه طرفدار خشونت جواب مثبت ندادند اما از این که در دولت افغانستان نیز یک استراتژی مشخص برای جلب این افراد وجود نداشت، نگران بودند. کسانی از آنان که به افغانستان آمدند تا در کشور خود به شکل یک شهروند عادی زندگی کنند، مورد تعقیب و اذیت و آزار قرار گرفتند و حتی دستگیر و به امریکایی ها سپرده شدند. در پاکستان هم گروه های خاصی، افراد مؤثر این گروه را تحت فشار قرار دادند تا از بی طرفی دست بردارند و قصدا آنان را به صف خشونت گرایان سوق دادند. در حقیقت بی برنامگی دولت افغانستان و سیاست های حلقه های خاص در پاکستان موجب تقویت طالبان جنگ طلب شد.

آقای کرزی گاهگاهی از امکان تفاهم با طالبان اما با ابهام سخن می گفت. گاهی می گفت که این تفاهم شامل رهبران طالبان نمی شود از جانب دیگر کمیسیون حقوق بشر سخن از محاکمهء کسانی در فغانستان سخن می گفت که آنان را جنایتکاران جنگی می خواند. این افراد شامل آن رهبران مجاهدین هم می شد که علیه طالبان جنگیده و در سقوط طالبان و پا گرفتن دولت جدید در افغانستان صادقانه کمک کرده بودند.

ادامه در ص۵

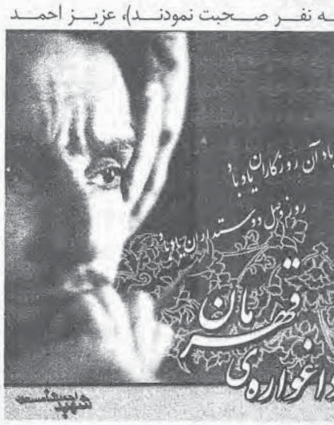
ششمین سالگرد شهادت احمد شاه مسعود



در سمینار مسعود شناسی میهمانان خارجی مانند نیکول فانتین رئیس پارلمان اروپا، دکتر ابراهیم یزدی از ایران، مراکش سود سفیر هندوستان، آقای عرفانی نیز سخنرانی نمودند و احمد ولی مسعود در روز اول این سمینار سخنرانی اختتامیه را ایراد کرد.

روز دوم سمینار به تاریخ ۱۷ سنبله در هتل کابل سرینا، تدویر یافت. ریاست جلسهٔ پیش از ظهر سمینار را رحمان اوغلی وکیل پارلمان در ولسی جرگه به دوش داشت، در جلسهٔ بعد از ظهر معین اداری و توریزم وزارت فرهنگ فراهی ریاست و خانم قدریه یزدان پرست، معاونیت جلسه را به دوش داشت. در این جلسات شماری از شخصیت های علمی و فرهنگی از داخل و خارج کشور صحبت نمودند.

محمد کریم خلیلی معاون دوم ریاست جمهوری با سخنرانی خویش این محفل را افتتاح نمود. سخنرانان دیگر عبارت بودند از فریده غیرت دانشمند ایرانی، دکتر علی حجیان مؤسس حزب نواندیشان و مدیر مسؤول خبرگزاری آریا، شکوهی معاون فرهنگی روزنامهٔ جام جم، غلام سخی غیرت عضو وزارت خارجه، تکراسف از روسیه، سفیر جمهوری آلمان در افغانستان، مهرالنساء شاعر تاجیک، کریس الکساندر نمایندهٔ ملل متحد، دکتر حیدر رضا، آقای نفیر معاون سفیر جمهوری اسلامی ایران، فلوران مارسی دانشمند فرانسوی، عبدالخلیل استاد دانشگاه در تاجیکستان، احمد ولی مسعود که از حضور میهمانان اظهار قدر دانی کرد، آفراسیاب ختک رئیس کمیسیون حقوق بشر پاکستان، ناصر شاهی وکیل دادگستری و عضو دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران، هیأت آسترالیا (سه نفر صحبت نمودند)، عزیز احمد پنجشیری، شمیم احمد شاهد مسؤول روزنامهٔ دان پاکستان، محمدسخاروف دانشمند تاجیکستانی، مرتضی کاظمیان از ایران، داوود پنجشیری رئیس قنسولی وزارت خارجه، شیری واستیف مدیر جریدهٔ بین المللی هند.



گردهم آیی بزرگ

روز ۱۸ سنبله گردهمایی پرشکوهی در غازی ستدیوم ترتیب یافته بود. در این گردهمآیی که بیش از ۲۵ هزار نفر شرکت داشتند، رهبران جهادی، اعضای حکومت، قضا، سارنوالی، پارلمان، شخصیت های ملی و فرهنگی، میهمانان خارجی، دپلمات ها و ژنرالان و افسران اردو و پلیس ملی شرکت نموده بودند.

در این محفل امیرزی سنگین رئیس کمیسیون دولتی و وزیر مخابرات، احمد ولی مسعود رئیس عمومی بنیاد شهید مسعود، مارشال محمد قسیم فهیم، استاد سیاف عضو مجلس نمایندگان، محمد محقق عضو مجلس نمایندگان و حامد کرزی رئیس جمهور کشور صحبت نمودند.

شب شعر

محفل شب شعر زیر عنوان داغوارهٔ قهرمان ساعت شش شام ۱۸ سنبله در تالار لیسهٔ استقلال برگزار گردید. در این محفل شعر و ادب که توسط خانم مهسا طایع گردانندگی می شد، بیش از سی شاعر کشور شعر های شان را در ستایش و شخصیت و ابهت احمد شاه مسعود قرائت نمودند که از آن شمارند: پرتو نادری، گلنور بهمن، خیدری وجودی، محمد حسین جعفریان (شاعر ایرانی)، مهر النساء (شاعر تاجیکستانی)، گل نظر (شاعر تاجیک)، آذرخش شاعر تاجیکستانی، یعقوبی، فهیم فرند، نظری پریانی، سمعی دردلی، عبدالسلام حافظی، دکتر سید علی موسوی، خانم ملالی استاد لیسهٔ استقلال، محمد نسیم فقیری اما یک نقص مهم در این محفل وجود داشت و آن این که بسیاری از شعرهای خوب مجال ارائه پیدا نکرد و برخی از شعرهای سطح پایین به منصه رفت.

شب مسعود و قرآن

این محفل در هتل ستارهٔ شام دایر گردید. گردانندهٔ این مجلس فاضل سنچارکی رئیس اتحادیهٔ ملی ژورنالیستان بود. در محفل به ترتیب قاریان تلاوت نمودند و نعت خوانان مرثیه هایی را دربارهٔ مسعود ارائه کردند که تعداد آنان به بیش از ۱۶ تن می رسید.



بزرگ داشت در خارج از کشور

همایش بزرگداشت از ششمین سال شهادت قهرمان ملی کشور احمد شاه مسعود، روز سه‌شنبه ۱۳ سنبله با حضور جمعی از استادان دانشگاه و مقامات سیاسی افغانستان و ایران در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد.

استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان نیز بنا به دعوت دانشگاه فردوسی، در این مراسم اشتراک کردند و سخنرانی نمودند.

حجت‌الاسلام "حسین ابراهیمی" نمایندهٔ مقام رهبری جمهوری اسلامی ایران، دکتر سید حسین سیف زاده ، دکتر داوود هرمیداس باوند، الهه کولایی ، صادق زیباکلام ، استادان دانشگاه تهران، فوزیه کوفی عضو مجلس نمایندگان کشور نیز در این مراسم سخنرانی نمودند.



نمایی از مراسم بزرگداشت از ششمین سالگرد شهادت قهرمان ملی کشور در دانشگاه فردوسی مشهد ایران

به همین گونه در بسیاری از کشورهای جهان مانند ایالات متحدهٔ امریکا، آلمان، دنمارک، ناروی سویس، تهران تاجیکستان، هندوستان و... نیز محافلی در بزرگداشت از مسعود از جانب افغان ها تدویر یافت که در هیچکدام آن بنیاد مسعود سهم نداشت و همه به ابتکار افغان های مقیم آن کشورها تدویر یافته بود. بر اساس گزارش ها در این محافل دانشمندان افغانی و شخصیت های علمی و فرهنگی آن کشورها صحبت نمودند.

محفل در پنجشیر

روز ۱۹ سنبله به اشتراک مهیمانان خارجی و نمایندگان دولت و شخصیت های ملی و فرهنگی و باشندگان ولایت پنجشیر، در کنار مقبرهٔ احمد شاه مسعود، محفل بزرگی تدویر یافت که در آن جمع غفیری از هموطنان اشتراک ورزیده بودند و عدهٔ زیادی سخنرانی نمودند.

بیشترین بمبگذاران انتحاری در ...

این گزارش می گوید که بمبگذاران انتحاری در افغانستان از چند نظر از بمبگذاران انتحاری در سایر کشورها متفاوت هستند. آنها معمولاً فقیر و کم سواد هستند و در اغلب موارد در مکاتب نواحی قبلیه نشین پاکستان درس خوانده اند.

تا کنون هیچ زنی در افغانستان دست به حملهٔ انتحاری نزده است. به علاوه، آنها پیش از عملیات بیانیه منتشر نمی کنند و تلاشی هم از سوی طالبان برای ادای احترام به خانواده های شان صورت نمی گیرد. در واقع بسیاری از خانواده ها اصلاً از این که فرزندان شان در مأموریت انتحاری کشته شده خبر ندارند.

نویسندگان گزارش سازمان ملل معتقدند که بسیاری از مهاجمان به تریاک اعتیاد دارند و بسیاری نیز یتیم هستند. گزارش می گوید که مقام ها موفق به جلوگیری از بسیاری از این نوع حملات شده اند و حتی حملاتی که موفق است تلفات زیادی به جا نمی گذارد.

با این حال ۸۰ در صد قربانیان حملات انتحاری غیر نظامیان هستند و این در حالی است که قصد بمبگذاران ظاهراً هدف گرفتن نیروهای امنیتی افغان یا خارجی است یا اهداف دولتی.

نویسندگان گزارش با بیش از ۲۰ نفر بمبگذار ناکام که در زندان های افغانستان هستند مصاحبه کرده اند. سن آنها از یک نوجوان ۱۵ سال تا مردی با بیش از پنجاه سال متفاوت بود. برخی از آنها در انتظار محاکمه بودند اما به گفتهٔ سازمان ملل، هیچ یک به مشاورهٔ حقوقی توسل نجسته اند. برخی از مصاحبه شوندگان گفته اند که فریب خورده اند یا حتی به آنها گفته شده بود در انفجار کشته نخواهند شد و جایزهٔ نقدی دریافت خواهند کرد.

بنا بر این گزارش، کسانی که بمبگذاران را مثلاً تهدید به سر بریدن وادار به عملیات انتحاری می کنند خود به ندرت حاضر به انجام آن می شوند اما سایرین با انگیزهٔ زیاد مثلاً به خاطر خشم از حضور نیروهای خارجی در افغانستان، مرگ غیر نظامیان در حملات نیروهای ائتلاف، یا به خاطر آنچه فساد در دولت افغانستان می دانند، اقدام به حملات انتحاری می کنند.

بسیاری گفته اند که از مرگ غیر نظامیان در حملات انتحاری متأسف هستند اما مهاجمان معتقدند که مردم عادی به عنوان شهید به بهشت خواهند رفت.

تام کونیکس نمایندهٔ ویژهٔ دبیر کل سازمان ملل در افغانستان، گفت در حالی که حملات انتحاری از نظر نظامی بی اثر است، می تواند تأثیر تبلیغاتی شدیدی داشته باشد و باعث جلب توجه به طالبان شود.

آقای کونیکس گفت برای تضعیف مهاجمان لازم است نیروهای خارجی در افغانستان هرچه در توان دارند برای کاهش تلفات غیر نظامیان در حملات خود انجام دهند و نیروهای افغان نیز مسؤولیت بیشتری در تأمین امنیت به عهده بگیرند.

وی همچنین گفت خوب است اگر کشورهای اسلامی می توانستند سرباز در اختیار نیروهای امنیتی ناتو و آیساف قرار دهند. در حال حاضر تنها کشورهای اسلامی که به آیساف کمک می کنند ترکیه، آذربایجان و آلبانی هستند.

جنت

انتخاب از فقیری

استقلال، حاکمیت ملی و خود ارادیت از عمده ترین خواست ها و اهداف هر مجاهد راستین و هر فرد آزادیخواه جهان است. مجاهدین قهرمان افغانستان و در رأس سالار و سپه سالار آنان شهید احمد شاه مسعود نیز به خاطر حصول استقلال و حاکمیت ملی رزمیده اند. قطعه شعر پشتو که تحت عنوان "جنت" چند دهه قبل توسط یک شاعر معروف پشتونخواه سروده شده مناسب حال ماست و در ششمین سالروز شهادت قهرمان ملی در شام روز ۱۸ سنبله در تالار لیسهٔ استقلال در شب شعری بدان مناسبت، خوانده شد.

در این شعر دیدگاه و برداشت و تصور ذهنی طبقات مختلف اجتماع از جنت بیان شده است:

د یو ملا نه مي تپوس وکړلو
ما ویل ملاصاحب جنت به څه وی؟
هغه په ګیډه لاس وهل ویل یی
تازه میوی او د شودو رودونه

***

خوا کی کتاب ته یو طالب ناست و
ما وی چه ته به په کې څه ووایی؟
د زلیخې کتاب یی بند غوندی کړو
وی چه ښایستی حوری او شنه خالونه

***

شیخ د تسبو امیل په لاس ولاړ و
په خپله ږیره یی لاس وهلو
دی په را ودانګل نه داسی نده
ښکلی غلمان او جنتی سرونه

***

یو خان په لویه سجده پروت پاڅیدو
ما وی چی خان کاکا ستا څه رایه ده؟
خپله شمله یی سموه ویل یی
د سرو او سپینو عنبری کورونه

***

هلته یو ستړی سیلیدو ولاړو
ما وي مزدوره ته جنت پیژنی؟
د خپل تندی خوله یی وچه کړله
وی چی مړه ګیډه خواړه خوبونه

***

یو لیونی غوندی په لار تیریدو
ما وی چی په فلسفی ته څه وایی؟
خپل ببر سریی ږروه ویل یی
بس د انسان د خوشالو خوبونه

***

ما دی خپل زړه ته سر ورښکته کړلو
دی په اوترو سترګو بره کتل
دی شین اسمان ته غوریدو ویل یی
ما اوریده تری دایو څو لفظونه

***

ویل چي ای د لامکان خاونده
په خپل مکان کی خپل اختیار جنت دی
که نه د دغه لیونتوپ په نامه
که نار وی نار که دار وی دار جنت دی

به مناسبت ششمین سالروز شهادت سپه سالار جهاد و قهرمان ملی افغانستان، مسعود شهید !

قصهٔ ناتمام

عبدالاحد تارشی

باکوهسار قصهء تو ناتمام ماند
آغاز شد حکایت وبی اختتام ماند
دریا برای خیزش مستانهء دیگر
از تو در انتظار وصول پیام ماند
بر شاهراه آتش وخون تا دیار عشق
از بهر رهروان زتو آثار گام ماند
ای زخمهای سینهء تو مرهم وطن
بی تو جراحتش همه بی التیام ماند
سروکنار جوبه امید عبور تو
دست ادب به سینه وبرلب سلام ماند
ای رند آخرین که زمیخانه رفته یی
مستی رمید بی تو وبی باده جام ماند
دست ستاره کار توتا سوخت چون شهاب
ای مهر، ماه روی تو رفت وظلام ماند
سجادهء نماز وفای تو دشت سبز
در انتظار قامت سرخ قیام ماند
ای شیرمرد یورش مردانه ات چه شد
شمع وطن بسوزد وپروانه ات چه شد
درجستجوی قامت تو آسمان گریست
کوهی که سرکشیده سوی کهکشان گریست
هان ای عقاب گفته به کهسار الوداع
پرواز سوخت از غمت وآشیان گریست
بر دره دره رفت وسراغ ترا گرفت
مهتاب چشمه چشمه سرشک روان گریست
چون جاودانه گشته به دلها غمت مقیم
باید همیشه سوخت زغم، جاودان گریست
ازباغ تا بهار قدم داشتی دریغ
پژمرده گشت وازغمت ای باغبان گریست
گفتم حکایت تو کشم درصحیفه یی
دود ازقلم بلند شد وداستان گریست
شام غروب تو نه یکی لحظه بود وبس
درامتداد روز وشب خود زمان گریست
برقطره قطره خون تو این خاک سینه چاک
با رود رود اشک وفا خونچکان گریست
ایام گریه خیز عروجت رسید باز
بر این شرر نسیم عزایت وزید باز
ای خفته زیر خاک تن خونچکان تو
ای دشت دشت لالهء حمرا نشان تو
تصدیق کامیابی تو کرد روزگار
با خط سرخ تا که گرفت امتحان تو
یک حرف با زبان شهادت بگو که تا
گلهای سرخ باغ شود ترجمان تو
پیغام آبگینه وشت ناتمام ماند
نیلاب اگرچه شرح دهد بازبان تو
پیوند رنگ با گل وعطر است با بهار
با کشور ستمزده پیوند جان تو
بستی دوچشم مست ومگر کوه ودره را
پر گشته دامن از نگهء مهربان تو
ای شاهباز قلهء عشق آفرین ترا
جانت زدست رفت ونرفت آشیان تو
باهایهای گریه دگرباره ازغمت
هنگامه ها بپاشده هرجا به ماتمت
زان روزهای حادثه ساز دلاوری
درحیرتند مهر ومه وچرخ چنبری
مردی چو صخره سینه سپر کرد نزد سیل
سیل وطنفروشی وسیل ستمگری
ازبین خون وشعله برافراشت قد چوکوه
زد مشت آهنین به سرکفر وچاکری
به به ازان شجاعت وبخ بخ ازان قیام
زان دلنشین قیادت وزان طرفه رهبری
برصفحهء زبانهء اتش نوشت ورفت
درسی زعشق خاک یکی مرد سنگری
کاین خطه را نکرده اجانب گهی غلام
وین ملک را نکرده گهی غیر سروری
او در هجوم مرگ پیام حیات بود
باغی زمیوه بود به هنگام بی بری
تصویر عشق روید وتندیسهء ثبات
کارند نام وی چو به گلزار داوری
آنانکه عاشق اندبه دین ودیار خویش
آزاده اند وصاحب دار وندار خویش
سردار قهرمان جهاد ای همه وفا
پیمان مام میهن ودین خدای را
ایستاده یی به معبر تاریخ سربلند
شد زیر خاک اگرچه ترا قامت رسا
ازقلب های سوخته گلپوش می کنند
آزادگان مزار ترا لحظهء دعا
درخاطرات مردم ارزنده زنده یی
درسینه های غمزده داری همیشه جا
ای چاک چاک سینه ات از غدر دشمنان
زخم تراست رحمت حق بهترین دوا
با خون تو تجارت رنگین نمی کنند
آنانکه صادق اند وبمثل تو بی ریا
پیوند حسن وعشق بود ناگسستنی
نام وطن نمی شود ازنام تو جدا
چون آفتاب سوخته درشعلهء شفق
تصویرتوست درشب غم پیش دیده ها
فرزند نامدار وطن زنده نام توست
سرسبزباغ خاطره ها ازقیام توست

یا پیر !

فهیم فرند

کوه بعد ازرفتنت یا پیر
ازحضورمرد خالی شد
خانقاه سنگی یی با نام فردوسی
بی قلندرماند
کوه را باران بد بارید
دفتر حماسهء ما شستشو گردید
پختگی تبدیل خامی شد
هرکسی کاو خوبتربفروخت
محترم گردید ونامی شد

***

رود دیگر با سپیداران
قصهء حماسه های دور را
بس گفت
باغبانی با غرض
ازسم
باغها را آبیاری کرد
فرودین پاییزشد ازدرد
ریخت برگ وبار آزادی
آب رنک دیگری بگرفت
آرزوها نان مزدوری
آبروآب غلامی شد
هرکسی کاو خوبتربفروخت
محترم گردید ونامی شد

***

کشتزارزخم را هرروز
دشنهء ظالم گل نوکاشت
عمرفصل خون درازآمد
شام غم درناتمامی شد
هرکسی کاو خوبتر بفروخت
محترم گردید ونامی شد

***

برسرقبرمجاهد کس
شمع اندوهی نیفروزید
ابرهای تیرهء کفری
شام راهمراه وحامی شد
هرکسی کاو خوبتر بفروخت
محترم گردید ونامی شد

***

طبلهء دجال درکوچه
چاشتگه اندرصداآمد
پردهء محجوبکان افتاد
برحیا بی احترامی شد
هرکسی کاو خوبتربفروخت
محترم گردید ونامی شد

***

برسربازارحراجان
جارچی هرروز
میزند جارخراسان را
مرد بی عشقی دهانش گوش
مینهد بیع خراسان را
رهبریت مُرد
روزگاربی زمامی شد
هرکسی کاو خوبتر بفروخت
محترم گردید ونامی شد

***

دفترشهنامهء ما درفراموشیست
شاعری پرفند
پشت وند
پهلوی دروازهء (انجوست) استاده
تا به نام پاک
ن والقلم
نانی به چنگ آرد
شعرهم درپای بیگانه
بهرشاعرالتزامی شد
هرکسی کاو خوبتربفروخت
محترم گردید ونامی شد

***

عشق بعد از رفتنت یا پیر
دردرون سینه ها گندید
روح آزادی چو آبی گشت
درمیان بوتلی تبعید
عهد بعد ازرفتنت یاپیر
درشکست وبی دوامی شد
هرکسی کاو خوبتربفروخت
محترم گردید ونامی شد
هَویت گم گشت
ملت ما بی اسامی شد

آنکه دست زمانش بیازمود

سید نور الحق صبا

مسعود ، آنکه دست زمانش بیازمود
هرگز نبود آنچه تو میگویی ای عنود!
هرگز نبود بسته ، به آ نچه تو بسته ای
او از تبار ماه وز نسل ستاره بود
مسعود ، آنکه دست زمانش بیازمود
هرگز نبود آنچهتو میگویی ای عنود!
رگز نبود بسته ، به آ نچه تو بسته ای
او ازتبار ماه وز نسل ستاره بود
حب ریاستی که تو اش میکشی بجان
در بارگاه داوریشهیچ بود ودود
او راد بود ورسته زنیرنگ کام ونان
بر رغم باورتو شکمبارهء حسود
تلبیس زیرکانهء اماره را زدل
با بانگ عاشقانهءتکبیر می زدود
این سنگها که پیش تو معبود مطلق اند
در چشم همتشهمه خرمهره می نمود
آزاده بود و عاشق آزاده زیستن
اینرا همیشه نابوصمیمانه می سرود
جز در هوای قلهء « بابا» نمی نشست
جز در خیالدشت « هریوا» نمی غنود

***

چون کوه بود وصخره در هنگامهء قیام
چون خاک رهگاه قعود وگهء سجود
اندام استخوانی آن آشنای درد
از مار تازیا نهءضحاکیان کبود
دل زیر پای مردم دربند می فشاند
آتش بروی دشمننا مرد میگشود
جان داد و آن خویش به بیگانهء نداد
سر داد وسربدرگهء بیگانهء نسود
جاریست نام وخاطرهء جاودانیش
هر لحظه در نوای دلانگیز مست رود
زین دلشکسته گان که بما تم نشسته اند
هردم برآنعصارهء آزادگی درود

چند مورد از
تحریف واقعیت های زندگی قهرمان ملی

محمد نسیم فقیری



تاریخ را نباید تحریف کرد و واقعیت های زندگی مردان بزرگ را نیز نباید طور دیگری بیان کرد! بسا ممکن است و اتفاق افتاده است که واقعیت ها چیزی دیگر و آنچه که ما می خواهیم و یا می خواستیم چیز دیگر بوده و یا هست!

واقعیت ها و اتفاقات دیروز را نباید مطابق میل و خواست امروزی خویش بیان و یا حتی تعبیر و تأویل نماییم و هرگاه به نادرستی آن باور داشته باشیم، پس لازم است تا با جرأت کامل آن را نقد نماییم زیرا نقد کارنامه های بزرگان روشنگر راه آیندگان و احتراز جستن از تعصب و کیش شخصیت است.

در نخستین همایشی که به مناسبت ششمین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود در خیمهٔ لویه جرگه برگزار شده بود؛ به چند مورد تحریف و یا تجاهل برخوردیم که بیشتر مربوط می شود به سال های نخست مبارزات سیاسی و نظامی قهرمان ملی کشور:

۱-معاون اول رئیس جمهور در بیانیه یی که از قبل تحریر یافته بود، متذکر شدند که شهید احمدشاه مسعود گویا در سال های ۵۳ و ۵۴ در پنجشیر در اختفا به سر می بردند!

بیان این مطلب، اختفای دو واقعیت در زندگی مسعود است:
اول این که او نخست به پاکستان مهاجر شده و همراه با تعدادی از فعالان نهضت اسلامی آموزش نظامی دیده است و دوم این که در سال ۱۳۵۴ در عملیات مسلحانه و حمله بر ولسوالی پنجشیر شرکت داشته و پس از آن دوباره به پیشاور مراجعت کرده و تا سال ۱۳۵۸ در آنجا بوده و در این سال با جمعی از مجاهدان به پنجشیر بازگشته و رهبری جهاد مسلحانه را به عهده گرفته است.

این در حالی است که تعدادی از شرکت کنندگان در بحث های تلویزیون ها به مناسبت سالروز شهادت قهرمان ملی و از جمله یاران او به این واقعیت اشاره کردند و با صراحت گفتند که او به پاکستان مهاجر گردیده بود و آموزش دیده بود؛ همچنین عملیات مسلحانهٔ سال ۵۴ در چند ولایت و از جمله پنجشیر و نقش مسعود در آن به هیچکس پوشیده نیست!

۲-در بیانیهٔ مذکور بعد دینی و اعتقادی زندگی مسعود که یک مشخصه و ممیزهٔ ممتاز او در مقایسه با سایر یاران و همسنگران اوست، بسیار کمرنگ جلوه داده شد که خوش بختانه در بیانیهٔ رئیس ولسی جرگه و تأکید او بر زنده و متجلی نگهداشتن این بعد که جزء اصلی شخصیت و هویت آن شهید بزرگوار است، تلافی گردید.

۳-رئیس ولسی جرگه در بیانیهٔ جذاب خویش از ۲۳ سال مبارزهٔ مسعود سخن گفت که مبارزات سال های قبل را در بر نمی گیرد، گویا مسعود از سال ۵۷ به مبارزه آغاز کرده است که یک اشتباه بزرگ است! در سخنان والی کابل (حاجی دین محمد) این اشتباه اصلاح گردید و او گفت که ما با مسعود در سال ۵۳ در پیشاور بودیم و...

باید گفت که مسعود به جهاد مسلحانه علیه رژیم کمونیستی نه در سال ۵۷ بلکه در سال ۱۳۵۸ آغاز نموده و تا این سال در پیشاور بوده است.

باید گفت که مسعود به جهاد مسلحانه علیه رژیم کمونیستی نه در سال ۵۷ بلکه در سال ۱۳۵۸ آغاز نموده و تا این سال در پیشاور بوده است.

مذاکرهٔ طالبان با دولت ...

رهبران طالبان هرقدر هم که ساده اندیش باشند، لااقل این محاسبه را نزد خود دارند که وقتی رهبران مجاهدین با آنهمه سابقهٔ خدمت به نظام جدید، باید به عنوان جنایتکار جنگی محاکمه شوند، سرنوشت طالبان ورهبران شان که از آغاز با این نظام مخالفت کرده و با آن جنگیده و خارجی کشته اند، از قبل مشخص است.

بنابراین از ابتدا ممکن به نظر نمی آمد که طالبان برای مذاکره با دولت قید وشرطی را عنوان نکنند. آنها خروج نیروهای خارجی از کشور را به عنوان پیش شرط هرگونه مذاکره اعلام نمودند. در مورد قانون اساسی افغانستان موقف آنان از قبل مشخص است و آنرا رد کرده اند.

سخنگوی طالبان که از امکان مذاکره بدون پیش شرط با دولت سخن گفت، اعلام نکرد که این موقف نظر شورای طالبان و یا رهبر طالبان است. با توجه به این که همه اعضای طالبان به ملا محمد عمر بعنوان امیر بیعت کرده اند، هر نظری خلاف نظر امیر از نظر طالبان هیچگونه حیثیت شرعی و در نتیجه ضمانت اجرایی ندارد.

اما اعلام این موقف جدید از طرف سخنگوی طالبان را می توان نوعی مانور سیاسی برای درک میزان آسیب پذیری دولت افغانستان از میزان خشونت ها در جنوب دانست.

طالبان از گروگان گیری بیست وسه تن از اتباع کوریای جنوبی هم بهره برداری مادی وهم سیاسی کردند. آنها اعلام نمودند که در این ماجرا بیست ملیون دلار پول به دست آورده اند که پول کمی نیست. آنها با این اقدام تلاش نمودند تا در سطح بین المللی ضعف و حتی زمینگیری ناتو در افغانستان را به رخ جهانیان بکشند. آنها با مذاکرهء مستقیم با مقامات کوریای جنوبی، خواستند به دنیا بفهمانند که طالبان در افغانستان قدرتی اند که نمی توان آنها را نادیده گرفت. آنها تلاش دارند تا جنگ را از مرز های پاکستان به ولایات نزدیک به کابل بکشانند و همین اکنون در ولایت غزنی حضور گسترده یی نظامی دارند.

نیروهای ائتلاف طی نامه های خبری هرروز از کشته شدن دهها و صدها طالب در نقاط مختلف کشور خبر می دهد که بیشتر این تلفات به ادعای آنان به وسیلهء بمباران هوایی وارد می آید اما این بمباران های هوایی زمانی می تواند مؤثر باشد که به منظور پشتیبانی از نیروهای زمینی صورت گیرد و مواضع تحت کنترل را از چنگ طالبان آزاد سازد. تجربه نشان داده که این گونه بمباران ها جز این که تلفات غیرنظامیان را افزایش دهد و نفرت از دولت و حامیان بین المللی اش را در میان مردم بیشتر سازد و برای طالبان امکان سربازگیری بیشتر از مردم بدهد، نتیجهء دیگری ندارد.

سخن سخنگوی طالبان در خور آن نبود که اینهمه جدی گرفته شود، در حالی که دراین رابطه از قبل نقاط ابهام فراوان وجود داشت. عمده ترین مشکل در این راستا این است که طالبان امروز شاخهء افغانی القاعده اند. بیعت اسامه بن لادن به ملا محمد عمر، در حقیقت وی را به عنوان رهبر معنوی القاعده در سراسر جهان معرفی می کند. مشاورین القاعده در صف طالبان به آنان این امکان را میسر کرده اند تا از شرایط و زمان به شکل مؤثر تری بهره بگیرند. کاری که در دوران حاکمیت طالبان از آنان دیده نمی شد. آیا طالبان حاضرند تا از همکاری با القاعده دست بردارند؟

طبق یک آمار که دفتر تحکیم صلح به ریاست آقای مجددی اعلام نموده، در طول سالهای گذشته بیش از چهار هزار تن از طالبان به پروسهء تحکیم صلح پیوسته اند اما پیوستن کسانی که درگیر جنگ با دولت نبوده اند، کمک موثری به حل مشکل جنگ در کشور نکرده است.

امروز وقتی از تفاهم با طالبان سخن می گوییم، منظور همان گروه جنگ طلب تحت رهبری ملا محمد عمر است. این گروه دیگر آن تحریک سابق و متشکل از افراد متفرق نیست بلکه گروهی یکدست است که جز به جنگ به هیچ گزینهء دیگری نمی اندیشد. همین گروه است که برای دولت افغانستان ونیروهای خارجی مشکل آفریده است و برای حل مشکل نیز باید با همین گروه به تفاهم رسید، کاری که با توجه به آنچه که گفته آمدیم در شرایط فعلی دور از دسترس است.

لزوم شفافیت در مذاکره با ...

لازم به تذکر است که مذاکره با طالبان و توافق با این گروه، کاری ساده به نظر نمی رسد، چون اکنون طالبان متحد سازمان القاعده می باشند و این سازمان برنامه ها و هدف های بین المللی و فراتر از افغانستان را در سر دارد. القاعده در هر مذاکره، امتیازگیری از امریکا دشمن اصلی خویش و تحت فشار قرار دادن آن کشور را هدف اصلی قرار خواهد داد و این امکان که، القاعده موافقت نماید که طالبان با حضور خارجیان، با حکومت افغانستان به توافق برسد و دست از جنگ بردارد نا محتمل به نظر می رسد. چنانچه اخیراً سخنگوی طالبان خروج نیروهای خارجی از افغانستان و اسلامی کردن کامل نظام را به عنوان شرط مذاکره با دولت مطرح نموده است.

باید اذعان کرد که مشکل طالبان یکی از مهم ترین عوامل بحران به شمار می رود اما باید توجه داشت که مشکل طالبان همهٔ عوامل بحران در افغانستان را نمی سازد. همچنان جستجوی راه حل این مشکل دقت و توجه لازم می خواهد تا مذاکرهٔ طالبان موفقیت آمیز باشد و ریشه های بحران خشکانده شود.

برای موفقیت گفتگو با طالبان، علاوه بر این که لازم است این گروه خود را از سرپرستی القاعده بیرون بکشد و به صورت مستقلانه و به عنوان یک گروه سیاسی افغانستان و با حسن نیت وارد مذاکره شود. دولت افغانستان نیز باید، در این کار حسن نیت داشته و صادقانه به میز مذاکره بنشیند اما در صورتی که هدف دولت تحت فشار قرار دادن اپوزیسیون داخل نظام یا مجاهدین و یا گروه دیگری باشد و یا بخواهد طالبان را آزمایش کند، نمی توان امیدی از چنین مذاکراتی داشت.

اهانت به مقدسات اسلام پیامدهای ناگوار دارد

پوهنمل سید عنایت الله شاداب / استاد دانشگاه کابل

در روز چهارشنبه ۱۰ سنبله ۱۳۸۶ در ولایت خوست در منطقهٔ "لکن" که از طریق هلی کوپتر نیروهای امریکایی توپ هایی را از هوا پرتاب نمودند که در آن فوتبال منقش به کلمهٔ "لااله إلا الله محمد رسول الله" نقش شده است. منابع امریکایی گفتند که این توپ ها را برای اطفال در آن منطقه ریختند.

اقدامات اهانت آمیز نسبت به مقدسات مسلمانان در سال های اخیر به صورت سیستماتیک انجام یافته است که تازه ترین نمونه های آن در دنمارک، ایتالیا، گوانتامو و... از طریق نشر کاریکاتور اهانت آمیز پیامبر اسلام و موارد دیگر صورت گرفت که واکنش های گسترده در جهان اسلام درپی داشت.

در پی این حادثه تظاهرات بزرگی در اعتراض به نوشتن کلمهٔ توحید در این توپ ها صورت گرفت و این کار در پارلمان نیز محکوم شد.

اما چرا امریکایی ها به چنین اقدامی اهانت آمیز علیه مقدسات اسلامی دست زدند؟ آیا این کار ارتشیان امریکایی یک عمل تصادفی بوده است یا یک برنامهٔ از پیش طرح شده بوده است؟ تا کنون در این زمینه موقفی رسمی اعلام نشده است.

به تعقیب حادثه یازده سپتامبر دست زدن به این گونه اعمال به حیث یک سیاست در کشورهای اسلامی از سوی بعضی از افراد و مؤسسات تعقیب می شود تا در پهلوی جنگ گرم جبههٔ جنگ فرهنگی نیز باز باشد و تردیدهایی در باورهای دینی مسلمانان ایجاد کنند اما چنین جنگی نه تنها این که باورهای دینی مسلمانان را تضعیف و کمرنگ نمی سازد، بلکه باعث تحریک بیشتر مسلمانان و ایجاد نفرت و انزجار نسبت به کشورهای غیر اسلامی می گردد.

هدیه توپ های فوتبال برای اطفال افغانستان برای آن نیست که اطفال افغانستان این توپ ها را در رواق های خانه های خود محترمانه بگذارند، بلکه توپ در میدان بازی شوت کرده می شود و در نهایت کلمه مقدس مسلمانان اهانت و لگدمال می شود؟

ارتکاب اعمالی ازین طراز نه تنها سودی را برای کشورهای غربی و امریکا نداشته است که زیان های بزرگی را متوجه منافع و سیاست های آنان خواهد کرد.

امروز چهره امریکا در کشورهای اسلامی و جهان اسلام غیر از آن چهره یی است پیش از شکست کمونیزم به آن نکاه می کردند.

دست زدن به چنین عملکردی شگافی که میان جوامع اسلامی و غرب وجود دارد را عمیق تر خواهد ساخت.

دست یازی به این گونه اعمال آن هم در کشورهای مانند افغانستان که، به گواهی تاریخ حساسیت زیادی ایجاد می کند، طوری که هنگام چاپ کاریکاتورهای توهین آمیز از پیامبر اسلام در کشورهای اروپایی خونین تظاهرات در افغانستان واقع شد و تلفات سنگین به جا گذاشت.

توهین به معتقدات و فرهنگ مسلمانان یکی از حقوق انسانی را که عبارت از حفظ کرامت و باورهای آنان است زیر پا می گذارد. لازم است نیروهای امریکایی موجود در افغانستان که ادعای دفاع از حقوق بشر را دارند از چنین عملکردهایی خودداری نمایند

ازطرف دیگر توهین به معتقدات و فرهنگ مسلمانان یکی از حقوق انسانی را که عبارت از حفظ کرامت و باورهای آنان است زیر پا می گذارد. لازم است نیروهای امریکایی موجود در افغانستان که ادعای دفاع از حقوق بشر را دارند از چنین عملکردهایی خودداری نمایند.

بازی بزرگ نفت

در قفقاز و آسیای میانه

احمد دهستانی

سیاست روسیه د راین کشورها جلوگیری از نفوذ و توسعهٔ غرب است، در این سعی و تلاش مسکو رابطهٔ نزدیک خود را با ارمنستان به حیث یک وزنهٔ تعادل و نیرو در مقابل ترکیه توسعه بخشیده است، و در مقابل گرجستان و آذربایجان تلاش می ورزند تا روابط خود را با غرب و ناتو استحکام و توسعه بخشند

حملات یازده سپتامبر، فرصت هایی جدید را برای ایالات متحدهٔ امریکا فراهم ساخت تا کمپنی های غول پیکر نفتی آن کشور به جمهوری های آسیای مرکزی و قفقاز که دارای ذخایر وسیع پترولیم هستند، وارد عمل گردد. این سرزمین ها دومین منطقه با داشتن یکی از بزرگترین ذخایر انرژی در جهان توجه نفت خواران را به خود جلب کرده است.

بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ حضور نظامی امریکا تا دروازهٔ غربی چین پیشرفت.

اخیراً پیاده ساختن پرسونل نیروهای امریکا در پنکی سی گرجستان به ظاهر جنگ علیه تروریسم است اما هدف اصلی در عقب اجندای جنگ علیه تروریسم، تأمین امنیت و کنترل پروژهٔ پایپ لاین تبلسی ـ سیاحون ترکیه می باشد که کمپنی های نفتی امریکا اکنون در دریای خزر به کاوش مشغولند.

تعدادی از دانشمندان بدین باورند که واشنگتن تنها در جستجو و تلاش به دست آوردن ذخایر نفتی است و برای به دست آوردن این منابع عایداتی مبارزه علیه تروریسم را بهانه قرار داده است و به همین خاطر است که امریکا آسیای مرکزی را زون منافع ملی خود تلقی می کند. در حقیقت امریکا به منابع محلی و ذخایر ونزویلا، کانادا و افریقا متکی است و شرکت های نفتی فروش نفت را به مناطق تشنهٔ انرژی جهان مانند جنوب، شرق و جنوب شرق آسیا افزایش دهد که چین و روسیه را از ذخایر حنوزهٔ دریای خزر و راه های ترانسپورتی نفت از بازارهای جهانی بیرون کرده است.

اعمار پایپ لاین افغانستان به معنی جلوگیری از راه مستقیم به دریای عرب از طریق ایران است، که این موضوع رشد همکاری بین ایران و روسیه را بیشتر کرده است که باعث دو جهت گیری مخالف در قاره های یورو ـ آسیا گردیده است.

۱- صف غربی که امریکا رهبری آن را به دوش دارد کشورهای ترکیه، اسرائیل، گرجستان، آذربایجان و... در این صف بندی قرار گرفته اند.

۲- صف دوم شامل کشورهای روسیه، ایران، چین، سوریه، ارمینیا و کوریای شمالی و... می باشد. که این کشورها به خاطر جلوگیری از نفوذ امریکا در منطقه به مبارزه و مقاومت پرداخته اند. ریشه های تنش میان این دو صف، آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه می باشد که هر کدام تلاش دارد تا از نفت و گاز دریای خزر سود ببرد و آن را توسعه بخشد به همین دلیل است که گروهی از کمپنی های خصوصی و دولتی به ویژه از ناروی، ژاپن و امریکا وارد این مبارزه شده اند.

منابع هایدرو کاربن دریای خزر یکی از فکتورهای نهایت مهم است که اهمیت قفقاز و آسیای مرکزی را برجسته و حیاتی ساخته است و به خاطر نفوذ سیاسی و اقتصادی یک کشمکش و مبارزهٔ شدید را میان کشورها به وجود آورده است و این مبارزه و نزاع به اصطلاح یک بازی بزرگ جدید را توسعه بخشیده است.

روسیه تلاش دارد تا نفوذ از دست رفتهٔ خود را دوباره به دست بیاورد، امریکا تلاش دارد تا روسیه را از منابع این منطقه محروم سازد. بازیگران دیگر مانند ترکیه، ایران، چین و اتحادیهٔ اروپا شامل این مبارزه شده اند و به شدت این بازی بزرگ جدید افزوده اند.

قفقاز و آسیای مرکزی از مناطقی هستند که به اساس تئوری مشهور مکیندر در قلب یورو آسیا و در سرزمین مرزی و هلال اسلامی در جنوب قرار دارند که جوهر و عصارهٔ رقابت ها بین قدرت های منطقه یی به نفوذ سیاسی و اقتصادی کشورهای این منطقه ارتباط می گیرد که در این چهارچوب، نفت و گاز نقش حیاتی و بزرگ را بازی می کند، ملاحظات استراتژیک طبیعت دیگری از این مبارزه را تشکیل می دهد.

از جانب دیگر بعد از فروپاشی اتحاد شوروی اکنون روسیه به حیث یک قدرت مسلط قدیمی و یک فکتور با ثبات در تلاش به دست آوردن نفوذ اقتصادی و سیاسی در منطقه است. کرملین آماده نیست تا غرب در جمهوری های قبلی اتحاد شوروی به تکتازی بپردازد و این کشورها را از مدار مسکو خارج کند. تلاش روسیه این است تا پایگاه های نظامی امریکا از این مناطق برچیده شود تا بتواند نفوذ از دست رفتهٔ خویش را به دست آورد.

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، فدراسیون روسیه، چندان علاقه یی به آسیای مرکزی نداشت و دلمشغولی این کشور رقابت و هم چشمی با غرب و عبور روسیه به دموکراسی لیبرال از نوع اروپای غربی بود. مشاور سیاسی یلتسن در ۱۹۹۱ گفت: "آموختن از تجربیات اروپایی جهت حل مشکلات و فشارهای داخلی روسیه حتمی و ضروری است".

اولویت های سیاست خارجی روسیه سیاست درونگرایی طرفدار غرب بود و به جمهوری های دور از مرکز اتحاد شوروی قبلی اولویت نبخشید و به صورت قابل ملاحظه سیاست مسکو در قفقاز دور می زد و موقف جمهوری های گرجستان و آذربایجان را زیر سؤال برد. زیرا هر دو کشور (آذربایجان و گرجستان) تمایل داشتند تا تماس های سیاسی و اقتصادی خویش را با غرب توسعه بخشند و از نفوذ روسیه فرار کنند.

موقعیت جیوگرافیک نقشی مهم را در بازی بزرگ جدید ایفا می کند، آسیای مرکزی محاط به خشکه و هم مرز به کشورهای چین و افغانستان و ایران هستند، در صورتی که قفقاز به دریای سیاه و ترکیه دسترسی دارد و می تواند انرژی خود را از این طریق به بازارها صادر کند اما جمهوری های آسیای مرکزی دسترسی به آب های آزاد جهان را ندارند و در تلاشند تا بتوانند به آب های آزاد راه یابند.

سیاست روسیه د راین کشورها جلوگیری از نفوذ و توسعهٔ غرب است، در این سعی و تلاش مسکو رابطهٔ نزدیک خود را با ارمنستان به حیث یک وزنهٔ تعادل و نیرو در مقابل ترکیه توسعه بخشیده است، و در مقابل گرجستان و آذربایجان تلاش می ورزند تا روابط خود را با غرب و ناتو استحکام و توسعه بخشند اما تا جایی که به نفت تعلق دارد، روسیه پایپ لاین انحصاری صادرات خویش را بهبود و ارتقا بخشیده و اصول استخراج مشترک منابع دریای خزر را ترک کرده بود. این شیوه و روش روسیه سبب گردید تا حضور خارجی ها به خصوص کمپنی های نفتی امریکایی در منطقهٔ دریای خزر افزایش یابد که حضور این کمپنی های نفتی باعث گردید تا بار دیگر روسیه برای نفوذ انحصاری خود در منطقهٔ دریای خزر تلاش کند. روسیه از این نوع فشارهای سنگین را به گرجستان و آذربایجان وارد کرده است، اما آذربایجان مصرانه صدور نفت خود را از طریق پایپ لاین انحصاری روسیه نپذیرفته و آن را رد کرده است، و در عوض از ایجاد تعمیر خط لوله یی که از طریق ترکیه به ساحل دریای مدیترانه وصل می شود حمایت کرده است.

در شرح بازی بزرگ جدید، اساساً دو رقیب وجود دارد، امریکا در مقابل روسیه به خاطر نفت و ترکیه در مقابل ایران به خاطر راه ترانزیتی در رقابت و کشمکش قرار دارند. به صورت مختصر منابع روسیه، امتیاز دسترسی به نفت آسیای مرکزی است تا بتواند کاهش نفت سایبریا را جبران کند و کنترل اقتصادی و سیاسی منطقه را به دست آورد.

روسیه در جهان دومین و قدیم ترین کشور نفتی بعد از امریکا می باشد، به طور عموم صنعت نفت روسیه تولیدات پایین و قیمت بالا را بر بازارها تحمیل می کند. برای روسیه به دست آوردن نفت آذربایجان و آسیای مرکزی یک بدیل پسندیده در مقایسه به توسعهٔ گزاف در شرق سایبیریا و یا ساحل شرق دور روسیه می باشد.

منافع سیاسی روسیه در روابطش با آذربایجان و نفت و گاز آسیای مرکزی این است که مسکو کنترل قدرت های خارجی در منطقه را نمی پذیرد، بدین ترتیب به قزاقستان فشار می آورد تا یک راه ترانزیتی را از طریق روسیه نسبت به ترکیه انتخاب کند و سهمی در کنسرسیوم نفت آذربایجان به دست آورد.

پیام استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت به مناسبت ...

کسی که واجبی را در آن عملی کند به اندازهٔ هفتاد فریضهٔ ماه های دیگر است، این ماه، ماه صبر می باشد، و پاداش صبر بهشت است.

ماه دستگیری و همکاری و یاری است، روزی مؤمنان در آن افزون می گردد، در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده است هر کس روزه داری را افطاری بدهد، سبب بخشش گناهانش می شود، و خود را از آتش دوزخ نجات می بخشد و همانند همان روزه دار ثواب خواهد داشت، بدون آن که از ثواب و پاداش او چیزی کم شود.

در حدیث دیگری آمده است: همهٔ کارهای فرزندان آدم برای خود آنان است به غیر از روزه که به راستی به خاطر من است، و خود پاداش او را می دهم، روزه سپر مصؤونیت است، هرگاه روزه دار بودید سخن زشت و ناسزا نگویید، و شور و فریاد نکنید، هرگاه شخصی، روزه داری را فحش و ناسزا گوید یا با او منازعه و جدال نماید، در جوابش بگوید من روزه دارم، من روزه دارم. سوگند به آن که جان محمد در دست اوست تغییر بوی دهن روزه دار نزد خداوند از بوی مشک بهتر است، روزه دار دو فرصت فرحت انگیز را در پیش دارد یکی زمان افطار، دوم آنگاه که به لقاء الهی مشرف می شود.

آیات بینات قرآن و احادیث پیامبر گرامی گویای این حقیقت است که، روزهٔ ماه مبارک مانند دیگر طاعت ها و عباداتی که مؤمنان به ادای آن مکلفند، خدا را بدان حاجت و نیازی نیست و اگر نیاز و حاجتی درمیان است همانا نیازمندی انسان به انجام این عبادت هاست، تا از طریق طاعت و عبادت رابطهٔ انسان با خدایش، مبدأ لطف و رحمت حفظ گردد.

چه، انسانی جدا از پیوند و رابطه با مبدأ هستی و دور از محیط هدایت و رعایت الهی، مخلوقی است همیشه در معرض سقوط و تباهی، ضلالت و گمراهی **"و من یشرک بالله فکأنما خر من السماء فتخطفه الطیر أو تهوی به فی مکان سحیق"** بلی سرنوشت انسان مشرک و بریده از رابطه با آفریدگار هستی به موجودی می ماند که از بلندای آسمان عظمت و جلال رو به زمین سقوط و ضلالت فرو می افتد، و در این مسیر سقوط یا شکار اختطاف طایری می گردد، و یا سر راست در پرتگاه عمیق سقوط می کند و نابود می شود.

آن چنان که شرک و بی خدایی عامل سقوط و تباهی است، عصیانگری و ارتکاب گناه انسان های به ظاهر معتقد و تسلیم شدن آنان به غرایز سرکش حیوانی نیز خطر جدی است که زندگی، رفاه و امنیت افراد و جوامع را سخت تهدید می نماید.

به راستی وقتی که تاریخ انسان و حوادث را در جوامع انسانی بررسی نماییم به این نتیجه می رسیم که تنها حوادث طبیعی چون توفان ها و زلزله و طاعون ها و سونامی ها نیست که حیات انسان را در روی زمین تهدید می نمایند، بلکه تهدید هایی که از جانب افراد مغرور و سرکش و گروه های منحرف متوجه بشریت شده و می شود هولناکتر است.



از همین جاست که اسلام به عنوان دین هدایتگر و رهایی بخش کتله های انسانی، در حالی که همهٔ ابنای آدم را به توحید و خدا پرستی دعوت می کند، جهت اصلاح مؤمنان طاعات و عباداتی را بر آنها فرض نموده است تا از این طریق غرایز حیوانی و کشش های نفسانی آنان مهار شده و در مسیر تقوی و طهارت، خیر و فضیلت سوق گردند و یقیناً در پناه تقوی و عبادت است که انسان مؤمن پا بر نردبان عروج و کمال انسانی و به عنوان تاج آفرینش و خلیفهٔ خدا در زمین به مقام شایستهٔ خویش نایل می گردد.

از جملهٔ این عبادات یکی هم روزهٔ ماه مبارک رمضان است، این که ماه رمضان چه فضایل عالی و خصوصیاتی بارز دارد و فرضیت روزه در این ماه جایگاه و مقام آن را تا چه حد مهم ساخته است، در این جا تماس نمی گیرم و فقط به نفس روزه و اهمیت آن در اصلاح روزه دار اشاراتی مختصر می نمایم.

روزه تربیتگاه تقوی و طهارت و مدرسهٔ رشد اخلاق و فضیلت است و چنانچه می دانیم مطابق به هدایت پیامبر گرامی، تقوی ملاک حسنات و زیر بنای همهٔ فضایل انسانی است، تقوی مؤمن را از حریم حرام دور نگهداشته و در برابر ارتکاب معاصی برایش مصؤونیت فراهم می نماید.

روزه مؤمن را درس صبر و استقامت بخشیده و در برابر شداید حیات، توان تحمل و قوت عطاء می نماید و معمولاً شخصیت های بزرگ تاریخ صاحبان صبر و تصمیم بوده اند.

روزه به انسان قوت اراده و درس پابندی به نظام و انضباط می دهد. پابندی به نظام و تبعیت از نظم و قانون از هدف های عمدهٔ دولت ها و نظام های مختلف گذشته و معاصر است.

روزه احساس و عاطفهٔ انسانی را بیدار و ملکهٔ خیر و احسان را تقویت می بخشد و بدون تردید انسان های عاری از عاطفه و احساس، مصیبتی اند هم برای خود و هم برای جامعه شان.

روزهٔ ماه رمضان احساس حضور و نظارت خداوند را در وجدان و ضمیر انسان ایجاد نموده، سلیقهٔ رازداری بنده با پروردگارش را آموزش می دهد.

روزه پابندی به عفت زبان و طهارت وجدان و سلامت سلوک را در تمامی عرصه های حیات تعلیم می دهد.

روزه عامل عمده و وسیلهٔ مهم مهار ساختن کشش های اغواگر نفسانی و کنترل غرایز سرکش جسمانی است، چنانچه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم جمعی از جوانان را مخاطب قرار داده فرمودند، اگر توان مالی دارید ازدواج کنید در غیر آن خود را به روزه گرفتن عادت دهید.

روزه آموزگار عزت و کرامت و عامل قوت شخصیت است تلاوت قرآن کریم سرچشمهٔ نور و هدایت است در دوران شب و یا روز قلب و روح مؤمن را از زمزم عرفان و معنویت سیراب می سازد.

برادران و خواهران متدین!

اینک ماه مبارک رمضان، ماه خیر و برکت و غفران و رحمت فرا رسیده است، دروازه های رحمت به روی بندگان باز گردیده و شیاطین اغواگر هم در بند زنجیر و سلاسل قرار گرفته اند و فریضهٔ روزه به عنوان وسیله یی مؤثر جهت مهار کردن غرایز و هواهای گمراهکن در اختیار همهٔ مؤمنان قرار گرفته است مگر حیف نیست که از این همه شرایط و الطاف و عنایات پروردگار که رایگان در خدمت مسلمانان قرار گرفته است استفادهٔ شایان ننماییم، و این فرصت ها را ضایع کنیم.

اگر نمی توان در جریان این ماه در پناه تقوی و طاعات عنوان انسان های فرشته خصال را دریافت و جوامع خود را مدینه های فاضله ساخت که یقیناً در محیط معنوی و سازندهٔ رمضان این آرزو میسر است، اگر به این هدف دسترسی حاصل نشود کم از کم باید تغییری در سلوک افراد و جامعهٔ خود ایجاد نماییم تا طاعات و عبادات ما در ماه مبارک رمضان فقط درتشریفات ظاهری خلاصه نگردد.

دعاء می کنم خداوند توانا ملت ما را از فیوضات این ماه مبارک رمضان و فضایل عبادت روزه بهره ور سازد و رحمت و مغفرتش شامل حال ملت ما گرداند.

و ما ذلک علی الله بعزیز

نیت روزه ماه رمضان

ترجمه و اختصار از کتاب در المختار

نیت روزه رمضان آن است که شخص در دلش قصد ادای روزه را نماید. ذکر این نیت بر زبان و بیان با کلمات و عبارت لازم نیست. زفر رحمه الله علیه گفته است نیت کردن در ماه رمضان هر روز برای مقیم تن درست لازم نیست، چون روزهای این ماه خاص روزهٔ فرض رمضان می باشد.

وقت نیت، از غروب روز پیشین آغاز می گردد و تا زمان طلوع روز مورد نظر ادامه پیدا می کند. در این مدت هر زمانی که روزه داشتن در روزآینده را نیت کند، درست است، و اگر نتوانست در این مدت نیت نماید در جریان مدت بیشتر نیمه نخست روز می تواند نیت نماید. چون در این صورت اکثر روز را با نیت روزسپری نموده است. نیت روزهٔ قضایی و روزهٔ نذری د رجریان روز درست نبوده باید شب نیت صورت گیرد. در روزهٔ نفل نیت کردن در روز صحیح است. چون پیامبر "ص" وقتی غیر ماه رمضان روزی چیزی برای خوردن آن روز را روزه می گرفت.

روزهای ماه رمضان چون خاص روزهٔ فرضی است، نیت در نیمهٔ اول روز صحیح می باشد و اگر بعد از چاشت نیت نماید، روزهٔ وی درست نیست. و اگر در روز رمضان نیت ادای روزهٔ فرض را نداشته باشد و مطلق روزه را نیت کند، روزهٔ فرضی وی ادا می شود چون این ماه خاص بوده این نوع روزه بوده، با نیت مطلق روزه، رکن نیت به جا می آید و نیت درست می شود. چون از حضرت علی و از حضرت عایشه رضی الله عنهما روایت شده است که ایشان در روز شک یعنی روزی که دانسته نمی شود آیا اخر شعبان است و یا اول رمضان، مطلق روزه را نیت می کردند و می گفتند اگر فردا رمضان باشد، روزهٔ ما روزهٔ رمضان است و اگر رمضان نباشد نفل است و اما بهتر آن است که در ماه رمضان در دل، شبانه برای برگزاری روزه فردا نیت گردد.

اما در صورتی که روزه دار مریض و یا مسافر باشد و نیت روزهٔ غیر رمضان را نماید، مثلاً نیت کند که روزهٔ قضایی و یا نذری می گیرد، در این صورت مطابق نیتش روزهٔ قضایی و یا نذر حساب می شود. چون بر مریض و یا مسافر روزهٔ رمضان لازم نیست. اما در این مورد نظر دیگری هم وجود دارد که می گوید روزهٔ رمضان حساب می شود چون، او وقتی می تواند روزه بگیرد، پس روزهٔ رمضان بر وی ثابت می شود.

نوازشریف باردیگر به تبعید ...

در پاکستان بوده است. هربار که یک نظامی در این کشور به قدرت می رسد، بخشی از قانون اساسی را تعطیل می کند. در آخرین مورد از این دست، پرویز مشرف با مخالفت قوهء قضائیهء این کشور مواجه شد و به همین دلیل تصمیم به برکناری افتخار چودری قاضی القضات این کشور گرفت. این جریان به تظاهرات خشونت آمیز انجامید و سرانجام پس از مدتها کشمکش، قضات دیوان عالی به ابقای افتخار چودری رای دادند و به این ترتیب آزادی قوهء قضائیه را به نمایش گذاشتند.

مشرف که از چندین جهت تحت فشار بود ناچار به قبول این فیصله شد. دیوان عالی پاکستان در مورد تقاضای نواز شریف مبنی بر بازگشت از تبعید رای مثبت داد. در شرایطی که نواز شریف برای بازگشت به پاکستان آماده می شد و خانهء وی در لاهور برای استقبال از وی توسط طرفدارانش چراغان شده بود، دولت هزاران تن از فعالان نواز گروپ حزب مسلم لیگ را دستگیر کرد.

در خارج، دو شخصیت یکی از عربستان سعودی و دیگری از لبنان از نواز شریف تقاضا نمودند تا از رفتن به پاکستان منصرف گردد اما وی این تقاضا را نپذیرفت و شنبهء هفتهء گذشته راهی پاکستان گردید. اما وی پس از رسیدن به میدان هوایی دستگیر و پس از چند ساعت به وسیلهء یک طیارهء دیگر مجددا به عربستان سعودی رجعت داده شد.

به نظر می رسد که امریکا به بازگشت نواز شریف به پاکستان راضی نیست و ترجیح می دهد تا پرویز مشرف با همکاری بی نظیر بوتو و حزب مردم وی اوضاع وخیم پاکستان را سروسامان دهد. اما بدون شک این شیوهء برخورد با نواز شریف، که در ایالت پنجاب از محبوبیت در میان مردم برخوردار است، موجب نارضایتی بیشتر مردم از دولت مرکزی خواهد شد. رهبران حزب مردم می دانند که همکاری آنان با یک حکومت نظامی، آیندهء سیاسی این حزب را به مخاطره خواهد انداخت. ایالت پنجاب درقومی اسامبلی پاکستان بیشترین کرسی ها را دارد. به همین دلیل تا کنون مذاکرات میان رهبران حزب مردم و پرویز مشرف به نتیجه یی نرسیده است.

اگر دولت پرویز مشرف به نواز شریف اجازهء ماندن در پاکستان را می داد ویا حتی وی را زندانی هم می کرد، احتمال داشت تا دیوان عالی کشور به نفع نواز شریف رای دهد و این کار موجب رویارویی مجدد میان قاضی القضات و مشرف می شد. از طرف دیگر هر اقدام علیه نواز شریف می توانست موجب نارضایتی های مردم و تظاهرات و در نتیجه خشونت های بیشتر گردد. در حالی که پاکستان همین اکنون و بدون حضور نواز شریف هم به قدر کافی به مشکلات سیاسی و امنیتی مواجه است. او مجددا به تبعید گاهش فرستاده شد و احتمالا اکنون در آن جا به محدودیت هایی بیشتر مواجه خواهد گردید.

این جریان معیار های دوگانهء امریکا به عنوان مدافع دموکراسی در جهان را برملا می سازد. به عنوان مثال امریکا از روش دولت نظامی برما علیه یکی از مخالفینش که وی را در خانه اش تحت نظارت قرار داده است، انتقاد می کند اما در مورد مشابه در پاکستان حتی به بزور فرستادن یک مخالف حکومت به تبعید اعتراضی ندارد. منظور در این جا جانبداری از نواز شریف نیست. چه در دوران نواز شریف نیز ما شاهد مداخله پاکستان در امور داخلی کشور ما بودیم اما آنچه که در این جا مطرح است معیار های دوگانه در مورد دموکراسی در کشور هاست و این معیار های دوگانه به جانبداری از دموکراسی در کشور های اسلامی ضربه می زند.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

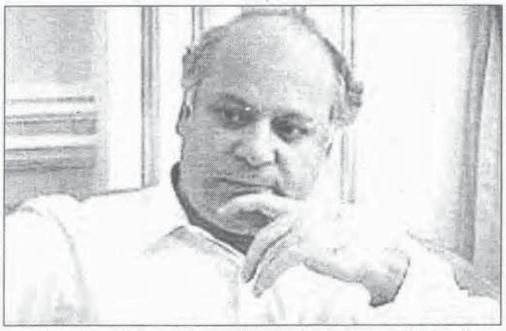
دور ششم | سال ششم | شمارهٔ نزدهم | شنبه ۲٤ سنبله ۱۳۸٦هـ ش | ۳ رمضان المبارک ۱٤۲۸ هـ ق | 15 September, 2007

نوازشریف باردیگر به تبعید فرستاده شد

ابوبکر سبزوار

دو هفته قبل زمانی که نواز شریف سیاستمدار و صدراعظم سابق پاکستان اعلام نمود که تبعید گاه خود در عربستان سعودی را ترک نموده و به پاکستان برخواهد گشت تا علیه پرویز مشرف به مبارزهٔ سیاسی بپردازد، انتظار می رفت که این بازگشت با واکنش مخالف دولت پاکستان مواجه گردد. نوازشریف هفت سال قبل در نتیجهٔ یک اقدام نظامی که کودتا خوانده شد، از نخست وزیری برکنار و زندانی شد. او حدود شانزده ماه در زندان بود و سپس برای مدت ده سال به عربستان سعودی تبعید گردید.

نوازشریف یکی از صاحبان صنایع در ایالت پنجاب پاکستان، در دوران زمامداری ژنرال ضیاء الحق وارد سیاست پاکستان گردید. او مدتها وزیر اعلای ایالت پنجاب، پر جمعیت ترین و از نظر اقتصادی مهم ترین ایالت پاکستان بود. نواز شریف دو بار به مقام صدارت در پاکستان رسید و بار دوم در مقابله با رئیس قدرتمند ارتش پاکستان پرویز مشرف، از کار برکنار و راهی زندان شد. او به جرم اقدام تروریستی به حبس ابد محکوم شد اما بعدا با وساطت بعضی از رهبران کشور های عربی برای مدت ده سال از فعالیت سیاسی محروم و راهی تبعید در کشورعربستان سعودی گردید.



پاکستان کشوری است که مطابق به قانون اساسی اش باید به شیوهٔ دموکراتیک اداره شود اما از بدو تقسیم نیم قارهٔ هند و تشکیل این کشور، نظامیان برای در دست گرفتن قدرت دولتی شانس بیشتر داشته اند. اردوی پاکستان به خاطر مقابله با هندوستان در صحنهٔ سیاسی کشور نیز از قدرت زیادی برخوردار است و حریم قدرت فوج خارج از دسترس دولت های منتخب **ادامه در ص۷**

بد رفتاری با گروگانان کوریایی

حقیقت یا دروغ

عبدالمعین شاهد



گروگانان کوریایی بعد از سپری نمودن یک و نیم ماه اسارت در نزد طالبان به روزهای هفتم و هشتم سنبله و بر اساس توافق به دست آمده میان دولت کوریا و این گروه آزاد شدند، در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی به روز سه شنبهٔ هفتهٔ گذشته اظهار نمودند که، آنها شدیداً مورد خشونت طالبان قرار داشتند و گروگان گیران با ضرب و شتم از آنها می خواستند، مسلمان شوند. در واکنش به پخش این خبر یک سخنگوی طالبان به نام قاری یوسف احمدی در مصاحبه یی ضمن رد این ادعا آن را کار منابعی دانسته است که می خواهند طالبان را بدنام سازند.

حادثهٔ گروگان گیری اتباع کوریایی اگرچه یک موفقیت سیاسی برای گروه طالبان بود، چون آنها توانستند، یکی از کشورهای عضو ائتلاف بین المللی مبارزه با تروریسم را به میز مذاکره بکشانند، و آن کشور را وادار سازند تا از ائتلاف ضد تروریسم خارج شده و شرکت ها، متخصصین و حتی امدادگران خویش را نیز فراخوانند و در ضمن، یک امتیاز ۲۰ میلیون دلاری، بنا بر گفتهٔ منابع طالبان به دست آورند اما از دیدگاه دیگر این حادثه هزینهٔ سنگین برای این گروه داشت.

گروگان گیری افراد غیر نظامی زن، از نگاه شریعت اسلامی و عادت های ملی در افغانستان، کار نادرستی بود که طالبان آن را انجام دادند، اگرچه داستان های فراوانی از گذشتهٔ این گروه در مورد بد رفتاری با زنان و حتی تصرف و ربودن آنان وجود دارد، اما این بار این حادثه به طور وسیعی در سطح بین المللی و ملی انعکاس یافت.

سخنگوی طالبان ادعای تهدید و بد رفتاری با گروگانان را رد کرد، اما این که این گروه دو نفر گروگان را به قتل رساندند، چگونه می توان باور کرد که واقعاً گروگانان دیگر تهدید نشدند و مورد بد رفتاری قرار نگرفتند.

مطلب مهمی دیگر که گروگانان در مصاحبهٔ خویش یاد آوری نمودند شیوهٔ دعوت طالبان به اسلام می باشد که بسیار شگفت انگیز است. گروگانان گفتند آنها مورد لت و کوب قرار می گرفتند تا مسلمان شوند. اما آنچه که روشن است، طالبان کوریایی ها را برای دعوت آنها به اسلام و یا آشنا ساختن آنها به ارزش ها و ممیزات اسلام، گروگان نگرفته بودند، هدف طالبان به دست آوردن امتیازات سیاسی، تبلیغاتی و مالی بود که به آن دست یافتند. اما شاید عده یی از طالبان ساده لوح که تعدادشان درمیان این گروه کم نیست، گمان می کردند، هدف از این گروگان گیری خدمت به دین و اقدامی در جهت نشر اسلام و افزایش تعداد مسلمانان در جهان می باشد، در حالی که کار طالبان کم کردن مسلمانان است، چنانچه ۹۰ در صد قربانیان جنگ ها و حملات انتحاری طالبان مسلمانان هستند. باز هم اگر بپذیریم که واقعاً هدف اصلی طالبان مسلمان کردن کوریایی ها بوده است، بدون شک دعوت به اسلام با چنین شیوه نتیجه یی معکوس به بار خواهد آورد. چون ایمان آوردن عبارت از حصول قناعت و میل قلب و ضمیر انسان به حقانیت اسلام می باشد نه این که، کسی با لت و کوب و اعمال انواع شکنجهٔ روحی و جسمی مجبور شود بگوید مسلمان شدم، چنین دعوتی به جای خدمت به اسلام خیانت به دین خواهد بود. دین اسلام نمی پسندد که کسی را با زور و اکراه مسلمان کنند. خداوند "ج" حتی پیامبرش را که هیچ غرض دنیایی را در پخش و نشر اسلام مد نظر نداشت از این کار منع نموده است در قرآن می خوانیم: **(لا إکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی)**. "در دین اکراهی وجود ندارد، راه رشد از گمراهی جدا شده است". همچنان در جایی دیگر می خوانیم: **(أفانت تکره الناس حتی یکونوا مؤمنین و ماکان لنفس أن تؤمن إلا باذن الله ...)** "پس آیا تو مردم را مجبور می سازی تا ایمان بیاورند، برای هیچ کس میسر نیست که ایمان بیاورد مگر به اذن و ارادهٔ خداوند..." .

لزوم شفافیت در مذاکره با طالبان

احمد مهدی

در مورد مذاکره با طالبان از گذشته شایعاتی در رسانه ها انتشار یافته است، اما گفته می شود، در این روزها میان طالبان و دولت افغانستان مذاکراتی صورت گرفته است، حتی نمایندگان دولت امریکا نیز با این گروه در پاکستان مذاکراتی داشته اند از قول سخنگوی طالبان اعلان شد که



این گروه آماده است با دولت افغانستان به میز مذاکره بنشینند. دولت افغانستان نیز از این آمادگی طالبان استقبال نموده است.

اما احمدضیاء مسعود معاون اول ریاست جمهوری در سخنرانی خویش در همایش مسعود شناسی که در خیمهٔ لویه جرگه به روز جمعه ۱٤ سنبله برگزار شد از نحوهٔ مذاکرات دولت با گروه طالبان انتقاد نمود. وی اظهار داشت که دولت با طالبان به صورت پنهانی و بدون اطلاع مردم مذاکره می کند.

گفتگو با طالبان و یا جستجوی راه حل سیاسی بحران کشور، مورد توافق اکثریت گروه ها و شخصیت های سیاسی افغانستان قرار داشته و طرح هایی در زمینه ارائه شده است ولی نحوهٔ این گفتگو که مورد انتقاد معاون اول ریاست جمهوری قرار گرفته از دید بسیاری گروه ها نیز قابل انتقاد می باشد.

چون این موضوع با سایر مسایلی که در گذشته اتفاق افتید و در آن حکومت و یا حلقهٔ خاصی در حکومت، به عنوان قوهٔ مجریه تصمیم گرفتند متفاوت است.

مذاکره با طالبان و کنار آمدن با آنها مسألهٔ بزرگ سیاسی و ملی در کشور می باشد. لاجرم تصمیم گیری در این باره باید با حضور گروه های فعال سیاسی و شخصیت های ملی و نهادهای تصمیم گیرنده صورت پذیرد.

اما مذاکره با طالبان توسط حامد کرزی رئیس جمهور، بدون اطلاع معاون اول ریاست دولت، ثابت می سازد که، دولت افغانستان در قبال قضایای راه بردی و حیاتی کشور متحد و یک پارچه عمل نمی کند، بلکه شخص و یا حلقهٔ کوچکی به تنهایی تصمیم می گیرد و در رسانه ها به عنوان موضع دولت افغانستان اعلان می شود.

پنهان کاری در این مورد، کوچک انگاری این مسألهٔ کلان ملی بوده یک اقدام اشتباه آمیز می باشد، همچنان که معاون اول گفت در مذاکره با طالبان علاوه بر دستگاه حکومت، لازم است مردم نیز در جریان قرار گیرند. **ادامه در ص٥**